

وضعیت زنان در اسرائیل

نوشته: نزار حمید*

ترجمه: محبوب الزویری**

در سند استقلال کشور اسرائیل متنی آمده است که ایدهٔ برابری میان زن و مرد را به شرح زیر مطرح می‌سازد:

کشور اسرائیل، برابری حقوق اجتماعی و سیاسی را - بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های دینی و جنسی و ملیتی - شامل همهٔ هموطنان خود می‌داند. در «راهکارهای اساسی» دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۹ نیز بر این ایده تأکید شده است: «به زنان در حقوق، وظایف، زندگی و فعالیت اقتصادی در کشور و دولت، برابری کامل و تام داده می‌شود».

در این تحقیق، به مسائلی می‌پردازیم که در بروز بحرانها و مشکلات زنان، نقش عمده‌ای دارد. از جمله: زمینه‌های کاری زنان و عدم برابری آنان با مردان - علی‌رغم بالا رفتن سطح تحصیلاتشان - تفاوت دستمزد مرد و زن و عدم برخورداری از شغل یکسان و ناهماهنگی جایگاه زنان در زندگی سیاسی - با اینکه بیش از نیمی از جمعیت اسرائیل را زنان تشکیل می‌دهند - مسایل دیگری چون خشونت علیه زنان، سن بازنشستگی و سازمانهای مربوط به زنان را می‌توان به موارد فوق اضافه کرد.

* این مطلب، ترجمهٔ مقالهٔ «واقع المرأة فی الکیان الاسرائیلی» است که در مجلهٔ الارض، شمارهٔ ۴ ماه آوریل سال ۲۰۰۰ در دمشق به چاپ رسیده است.

** کارشناس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه
مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاناسی، جلد هشتم، ۱۴۸۰، ص ص ۱۴۶-۱۲۵.

گروه‌های کاری زنان

زنان اسرائیلی، با توجه به سن آنان به گروه‌های مشخص شغلی زیر قابل تقسیم هستند:

۱. دخترانی که سن آنها بین ۱۸-۱۵ سال است؛ در صدی از این دختران، جایگاه خود را در چارچوب آموزش عادی پیدا نکرده‌اند. البته تعداد آنها از ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند. آنها معمولاً به کارهای سنتی و معمولی مانند سالنهای آرایشی، خیاطی، امور تربیتی، فروشنده‌گی و... اشتغال دارند و به سختی می‌توان دختران این گروه را در رشته‌های غیر متداول وارد ساخت. دلیل این امر، وجود امکانات ضعیف، بویژه در زمینه آموزش است. همچنین به علت محدودیت نگرش، انگیزه اندکی برای ایجاد چنین امکاناتی دارند، اغلب این دختران در سنین پایین ازدواج می‌کنند. بنابر این، جهت آشنایی و ورود به جامعه، دوره‌های ویژه و تخصصی برای آنها در نظر گرفته می‌شود.

۲. گروه سنی ۲۰-۱۸ سال که در زمینه‌های نظامی به فعالیت مشغولند؛ آنجا نوعی از همکاری بین ارتش اسرائیل و شعبه آماده سازی وزارت کار و رفاه برای آموزش سربازان دختر- جهت انجام همزمان کارهای غیر نظامی و نظامی - وجود دارد. مدت تعلیم نظامی دختران دو سال است که در یک دوره نه ماهه از مجموع آن، ایشان را جهت کارهای انبارداری، کارهای فنی، تخصصهایی در حد تکنسین الکترونیک، فوریتهای پزشکی، درمان و پرستاری، صنعت، تعمیر قفلها و... آماده می‌شوند. برخی از آنها وارد ارتش می‌شوند و تعدادی نیز به عنوان کارگر مشغول به کار می‌شوند. عده‌ای از آنان نیز در رشته الکترونیک به کار می‌پردازند.

۳. گروه سنی ۲۸-۲۱ سال؛ در این گروه، اهمیت زیادی به وظیفه مادری زن داده می‌شود؛ به همین علت، اغلب زنان به فراگیری دوره‌های معمولی خیاطی و آرایشی می‌پردازند. زنان تحصیل کرده نیز جهت انجام کارهای کنترل کیفیت کالا استخدام می‌شوند. زنانی که حرفه‌هایی با زمینه خوب و مطلوب دارند، در بخش صنعت و معدن مشغول به کار می‌شوند. در ضمن، تلاشهای زیادی برای ورود زنان در هنر منبت کاری و فلزکاری شده است. برخی از بانوان نیز در زمینه برق و الکترونیک مشغول به کار شده‌اند.

۴. گروه زنانی که ۲۸ تا ۵۰ سال سن دارند. در این سالها، زنان در حرفه‌های

گوناگونی اشتغال دارند که به صورت زیر تقسیم بندی می شود:

- ۴۰ درصد در مشاغل اداری

- ۱۴ درصد، کارهای مربوط به نقاشی و نقشه کشی

- ۲۰ درصد مشاغل مربوط به پوشاک

- ۱۷ درصد مشاغل مربوط به مهمانداری [خدمتکار یا پیش خدمت در هتلها یا

رستورانها]

- ۷ درصد سایر مشاغل

در این گروه سنی، بانوان به رشته های صنعتی روی نمی آورند، و اغلب آنان که تحصیلاتی بالاتر از سطح متوسط دارند، به تحصیل نقاشی و نقشه کشی پرداخته، آن گاه وارد بازار کار می شوند.^۱

زمینه های کاری زنان

اسرائیل در زمینه اشتغال زنان در تخصصهای صنعتی، به حد کافی موفق نبوده است. علت این امر، سنگینی وظایف در سطوح مختلف تحصیلی و وظایف گوناگون زیر است:

- وظیفه طبیعی که همان وظیفه مادری است.
- وظیفه اجتماعی که منظور، وظیفه زن به عنوان همسر خانه دار، و... می باشد.
- وظیفه شغلی که مقصود، همان خروج زن از منزل به عنوان کارمند یا کارگر است.

بدیهی است که برای هر زنی، نیازها و خواستههای متفاوتی وجود دارد؛ به همین دلیل، اهمیت کارها هم متفاوت است. درباره ای اوقات، وظایف و مشاغل مختلف ضرورتاً با هم تداخل می کنند. حتی اگر این امر، موجب تناقض هم شود، مانند: مادر در نقشهای مراقبت از فرزندان، همسر، در ایفای وظیفه اجتماعی، شاغل در نقش کارگر یا کارمند. بیرون رفتن مادر از خانه برای انجام کار، تا حدی از توجه او به کودکان می کاهد که البته این امر با توجه به تعداد فرزندان تفاوت دارد. برای بر طرف شدن این مشکل، پیشنهاد می شود که زن، مشاغل

ساده و جزئی تری را در اوقاتی مناسبتر برگزینند. گفتنی است که نیروی کار زنان در طول زندگی آنها تفاوت می‌کند. مثلاً بسیاری از زنان را می‌بینیم که سن آنها بین ۳۵-۲۰ است، اما از دایره اشتغال خارج شده‌اند و در مقابل، زنانی هستند که در مواقع ضروری به جای مردان به کار می‌پردازند. سخن از کار زنان به معنی خروج ایشان از خانه است. به همین دلیل، می‌توانیم سه عامل تأثیرگذار در کار در جامعه امروزی را به شکل زیر مطرح سازیم:

- تکنولوژی که شامل مسایل مربوط به تکنولوژی و موقعیت آن می‌شود. از آنجا که زنان در اسرائیل از فعالیت در این حوزه محروم هستند، انگیزه‌ای برای پرداختن به آن ندارند.

- عامل دولتی: به معنای رسمی بودن سازمانهایی است که زنان در آن مشغول به کارند و نیز نحوه تقسیم بندی کار و ارتباطات و صلاحیت و پیشرفت در این سازمانها.

- عامل اجتماعی: منظور، پذیرفتن زنان به شیوه معمول اشتغال در مجموعه کار غیررسمی است. با توجه به مطالب بالا در نظام نوین صنعتی می‌توانیم به چهار مرحله تحول شغلی به شرح زیر اشاره کنیم:

الف. مرحله آموزش دختران؛ به طوری که بتوانند در مشاغل گوناگون مشغول به کار شوند.

ب. مرحله انتخاب؛ به گونه‌ای که تأثیر خانواده در انتخاب شغل برای دخترانشان مشخص می‌شود.

ج. مرحله ادامه آموزش؛ به طوری که آموزش تکنولوژی و آماده سازی دختران جوان و زنان بزرگسال در وزارت کار و رفاه در هم ادغام شود.

د. مرحله اشتغال به کار؛ این مرحله که مرحله انتقال از تحصیل و آموزش به کار است، به دو بخش زیر تقسیم می‌گردد:

۱. اهمیت دادن به شغل و نقش آن در اقتصاد و جایگاه زنان در نحوه مشارکت در کار و اشتغال.

۲. پذیرش در شغل و پست خاص.^۲

مطبوعات اسرائیل به طرح برخی دستاوردهای شغلی زنان می‌پردازند، به طوری که در

طول سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۷، نزدیک به ۱۴۳ هزار زن جذب شدند. ۶۰ درصد از زنان در رشته‌های خدمات عمومی و تجارت شاغل به کار هستند. زنان و مردان در بازار کار برپایه جدول (شماره یک) تقسیم‌بندی می‌شوند.^۲ در این جدول، ملاحظه می‌شود که مشاغل مربوط به زنان که به نسبت، بیشتر از مردان است، عبارت است از: خدمات تجاری یا شخصی (آزاد) و عمومی که نیازی به تلاش فیزیکی و اضافی ندارد. در سایر حرفه‌ها نسبت زنان از مردان کمتر است. برای مثال، در زمینه ساخت و ساز، زنان نسبت به مردان ۱۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهند.

وضعیت زنان در خدمات دولت، منعکس‌کننده اقتصاد اسرائیل و رخدادهای مربوط به آن است، به طوری که در سه اولویت شغلی از نظر مقام در خدمات عمومی، زنان به میزان ۱۴ درصد حضور دارند. با اینکه نسبتی بالای ۵۰ درصد از کارمندان اداره‌ها را زنان تشکیل می‌دهند، این امر، بدین معنا است که زنان عموماً به میزان کمتری دارای مشاغل بالای (کشوری) هستند. بدیهی است که این مسئله، تعیین‌کننده سطح دستمزد زنان است. به عبارتی ایشان نمی‌توانند ساعات اضافه‌تری به کار پردازند، حتی اگر نیازمند باشند و یا تقاضای اضافه کار کنند. شرایط محیط کار نیز با توجه به صلاحدید کارفرما، چنین اجازه‌ای به آنها نمی‌دهد و این مسئله به درخواست مردان شاغلی که سرپرست و مسئول خانواده هستند، صورت می‌پذیرد.^۴

این مسئله در مورد زنان عرب نیز صدق می‌کند. دکتر سبیرسکی، یکی از افرادی است که گزارش صادره از مرکز «ادفیه» را برای تحقیقات نابرابری در اسرائیل ارائه داده است. البته زنان شاغل عرب، فی‌نفسه با شغل خود مشکلی ندارند، بلکه کارفرمایان و تصمیم‌گیرندگان مسایل سیاسی و دولتی هستند که مانع خروج آنان از روستاهایشان به قصد کار می‌گردند. سبیرسکی می‌گوید: «چنان که مشاغل مناسبتری برای زنان عرب فراهم کنند، آنها از روستاهایشان بیرون خواهند آمد. بدیهی است که شیوه تفکر زنان عرب مشکل‌ساز نیست، بلکه مشکل اساسی، طرز تلقی رهبرانی است که برپایه طرز تلقی جهان سوم عمل می‌کنند، در حالی که آنها باید کارخانه‌هایی کوچک با تکنولوژی ساده - همانند

کارخانه‌هایی که در ایالات متحده آمریکا وجود دارد - ایجاد کنند. اما دولتمردان به جای اینکه نیروی کار عرب به عنوان نیرویی که می‌تواند پیشرفت کند تلقی کنند، دستمزد کم و ارزان را ترجیح می‌دهند.^۵

دستاوردهای شغلی زنان

زنان، ذخیره‌ای بزرگ از نظر نیروی کار محسوب می‌شوند و جایگاه آنان با خروج از منزل و کسب آگاهی بیشتر در تمام زمینه‌های زندگی ارتقا می‌یابد. وزارت کار و رفاه، فعالیتهای کاملی در زمینه قانونگذاری انجام می‌دهد تا شرایط مناسبتر و نیز برابری جهت ورود به کار، اعطای حق تقدم و دستمزد ایجاد کند. آمار ارایه شده نشان دهنده پیشرفت در برخی زمینه‌های کاری زنان است، اما هنوز برابری با مردان حاصل نشده است. تا سال ۱۹۷۸، زنان در ۲۱۰ رشته از ۷۰۰ رشته موجود در ارتش اسرائیل از جمله در پست‌های کنترل و مدیریت - مشغول به کار شدند و ۱۰ درصد از مجموع کارکنان این رشته‌ها را تشکیل دادند. در پستهای بالای دولتی، نسبت زنان به ۱۴ درصد و در پستهای متوسط به ۴۴ درصد رسید. نسبت مشارکت بانوان در تخصص بیوشیمی دولتی ۸۲ درصد بوده است. این نسبت در مشاغل قضایی به ۴۷ درصد، در فعالیت مهندسی به ۸ درصد در رشته‌های فنی به ۱۵ درصد و در صنعت به ۱۸ درصد رسیده است.^۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دستاوردهای سال ۱۹۸۹ به نقل از دفتر آمار

- همراه با افزایش سطح تحصیلات زنان، میزان مشارکت آنان در نیروی کار نیز افزایش یافت. به طوری که مشاهده می‌شود نسبت زنان کارمندی که بیش از ۱۶ سال دارند در زمینه‌های گوناگون به ۷۷ درصد رسیده است.

- در سالهای ۱۹۸۷-۱۹۸۰، تعداد ۱۰۴ هزار زن به نیروی کار اضافه شد که نشان دهنده ۲۲ درصد افزایش در نیروی کار شهری است، در مقابل، ۷۲ هزار مرد به نیروی کار پیوست که نشانگر ۹ درصد است.

- تا سال ۱۹۸۹، نسبت کارکنان زن (یهود و عربی) در اسرائیل به حدود ۳۹ درصد از مجموع نیروی کار شهری رسیده بود.

- ۸۵ درصد از زنان کارمند، آنهایی هستند که به صورت روزمزد کار می‌کنند. این، بدان معناست که نسبت کارکنان زن به ۲۴ درصد از کل کارکنان دولت رسیده است.

- ۴۴ درصد از زنان شاغل، در خدمات عمومی به کار اشتغال دارند. نسبت مردان در همین زمینه ۲۰ درصد است. در شاخه‌های صنعت، نسبت زنان به ۲۵ درصد رسیده است، در حالی که نسبت مردان در این شاخه‌ها، ۲۹ درصد است.^۷

خانم عوفرا فریدمان، رییس سابق سازمان نعمات [سازمان غیر دولتی زنان اسرائیل] نیز به ذکر برخی داده‌ها می‌پردازد که به شرح زیر مطرح می‌شود:

- ۷۶ هزار خانواده تک سرپرست در اسرائیل وجود دارد که سرپرست ۹ درصد آنها زنان هستند. یک سوم از این خانواده‌ها زیر خط فقر قرار دارند.

- ۵۷ درصد از جمعیت کهنسال رازنان تشکیل می‌دهند که از این میزان ۵۰ درصد زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

- نسبت زنان بیکاری که تا ۳۵ سال سن دارند، ۶۷ درصد از مجموع بیکاران را تشکیل می‌دهد.

- ۴۷ درصد از زنان به صورت حق الزحمه‌ای مشغول به کارند، به این دلیل که مراقبت و نگهداری از فرزندان به عهده زنان است و نیز به علت عدم حمایت از آنان به ناچار به انجام کارهای حق الزحمه‌ای می‌پردازند.

- یک سوم رشته‌های اقتصادی، به عهده زنان است. از جمله آموزش و پرورش، شاخه‌های پزشکی و شاخه‌های مختلف خدمات.^۸

خانم دکتر رایس، استاد و محقق دانشکده یزراعیل و مرکز تحقیقات لابی زنان در اسرائیل، آماری به شرح زیر ارائه کرده است:

- ۴۰ درصد از زنان ۶۰-۵۵ سال به انجام کارهای یدی [صنایع دستی] می‌پردازند، در حالی که از دختران جوان زیر ۲۵ سال، تنها ۲۸ درصد به چنین کارهای مشغولند.

۱۳۱- در کارهای حق الزحمه ای، ۳۶ درصد از زنان مشغول به کارند در حالی که نسبت مردان در این کارها ۱۵ درصد است.

- به طور کلی در حوزه اقتصاد، زنان ۸٫۸ درصد و مردان ۶٫۸ درصد بیکارند. یعنی بیکاری زنان نسبت به مردان ۳۰ درصد بیشتر است.^۹

(مسئله) عدم برابری زن و مرد [در اسرائیل]

در اسرائیل، مسئله عدم برابری زن و مرد بیش از هر چیز در زمینه زندگی خصوصی، همچون طلاق و ازدواج به چشم می خورد. با اینکه از سوی نمایندگان هیئتهای مذهبی، درخواستهای زیادی جهت ایجاد هماهنگی و همگونی مسایل دینی با مسایل دنیوی شده است، اما گوش شنوایی برای این درخواستها وجود ندارد، حتی بر دشواری آن نیز افزوده است که این امر، موجب یاس بسیاری زنان گردیده است. علی رغم اینکه متن جدید قانون در این مورد چنین می گوید: «همه انسانها در مقابل قانون برابرند.» اما این قانون برای بسیاری از نابرابریها در بسیاری از موارد، راه حلی مناسبی ندارد. به عنوان نمونه، قوانین حقوق بشر، با اینکه برابری را مورد تأکید قرار می دهد، ولی عدم برابری، همچنان در زمینه های زیادی - مانند پذیرش زنان در کار، استخدام در پستهای بالا، نمایندگی آنان در بخش سیاست و حتی نمایندگی در زمینه های مذهبی، همچون مجالس دینی و کمیته های ویژه انتخاب خاخام در در تل آویو - به چشم می خورد. همه اینها مستلزم این امر است که متن طوری تنظیم و نوشته شود که قانون برابری را شامل تمام زمینه های زندگی در اسرائیل بداند.^{۱۰}

کاهش شدید سطح زندگی پس از طلاق، مسئله ای است که زن مطلقه را رنج می دهد. خدمات بیمه کشور به میزان ۲۲ درصد از حد متوسط دستمزد و مواد غذایی زنان مطلقه را تأمین می کند، اما زنان مطلقه ای که شاغل هستند از ۱۸ درصد این میزان برخوردار می شوند. ۶۶ درصد زنان، دستمزد ناچیزی می گیرند که کفاف مالیات را هم نمی دهد، چرا که هزینه رفت و آمد آنها در نظر گرفته نمی شود و از آنجا که هزینه رفت و آمد و مسکن و کارگر خانه بیشتر از دستمزد آنهاست، بیشتر زنان در بیرون از خانه مشغول به کار نمی شوند.^{۱۱}

دستمزدها

دستمزد زنان و مردانی که کار واحدی را انجام می دهند، با هم متفاوت است، به طوری که دستمزد زنان، حدود ۳۰ درصد از دستمزد مردان کمتر است؛ عامل دیگری که در این تفاوت مؤثر است، امتیازاتی است که شامل حال مردان می شود، در حالی که زنان از آن بهره مند نیستند. برای مثال، زنان مثلاً امتیاز تعمیر ماشینشان را ندارند، خود آنها بیمه اداری نمی شوند و یا اضافه کار نمی گیرند، اما مردانی که دارای همان تخصص هستند از این امکانات برخوردارند. اطلاعات اداره تحقیقات در تأمین اجتماعی، افزایش خطرناک تبعیض را در تخصیص دستمزد به زنان نشان می دهد:^{۱۱}

- ۸۵ درصد از مجموع زنان شاغل تمام وقت (تقریباً ۴۰۰ هزار زن در سال ۱۹۹۶)، دستمزدی کمتر از ۳۸۰۰ (یک چهارم دلار) در ماه به دست می آورند، در حالی که ۵۰ درصد مردان این دستمزد را به دست می آورند، و ۶۵ هزار زن در فعالیتهای اقتصادی، درآمد بالاتری کسب می کنند.

- از هر هفت زن، تنها یک نفر بیش از ۲۰ هزار دلار در ماه دستمزد می گیرد.

- حد متوسط دستمزد زنان که در خدمات دولتی مشغول به کارند، ۶۱۰۰ دلار است که در آن، اضافه کاری نیز پرداخت می شود، در حالی که متوسط دستمزد مردان ۸۰۰۰ شیکل است. در نتیجه، تفاوت میان آنها بیش از ۳۱ درصد است در کردارهای (جدولهای ۳ و ۲) تفاوت دستمزد زنان و مردان شاغل در پستهای دولتی، به وضوح دیده می شود.^{۱۲}

در بازرسی سال ۱۹۹۷ که به وسیله دفتر مرکزی آمار در مورد صورت گرفته است، دستاوردهای زیر را می بینیم:

- ۵۴ درصد از دستمزدبگیران، مردان هستند، در حالی که ۴۶ درصد از زنان دستمزد می گیرند.

- متوسط درآمد ماهانه مردان در موقعیت برابر، ۶۳۰۰ شیکل است، در حالی که زنان فقط ۳۹۷۵ شیکل دریافت می کنند. به عبارتی، درآمد مردان، ۱٫۵۹ برابر درآمد زنان است.

- دستمزد مرد در هر ساعت ۳۲٫۸ شِکل است، در مقابل، دستمزد زنان در موقعیت مشابه ۲۷٫۱ شِکل است، یعنی درآمد مردان ۱٫۲۱ بر ابراز درآمد زنان بیشتر است.^{۱۴} این داده‌ها با داده‌های تأمین اجتماعی متفاوت است که متوسط درآمد ماهانه زنان در حدود ۳۲۲۵ شِکل بوده است. در حالی که درآمد ماهانه مردان، ۶۱۱۳ شِکل یعنی ۱٫۹ برابر دستمزد زنان است.

اما داده‌هایی که خانم دکتر لینده عفونی حقوقدان اسرائیلی، پس از بررسی دستمزدهای میان کارگران مرد و زن در شرایط مساوی ارایه کرده است، نشان می‌دهد شرایط در پستهای دولتی، ۳۰ درصد، در سازمان مهاجرت یهودیان، ۴۰ درصد و در شوراها، ۵۰ درصد به نفع مردان است. ولی در بخش کارهای آزاد، مردان تنها به نسبت ۱۰ درصد از زنان جلوتر هستند^{۱۵} در یک گزارش رسمی که در سال ۱۹۹۸ م منتشر شد، مشخص گردید که در مشاغل دولتی، حقوق زنان به نسبت ۲۵ درصد از مردان کمتر است. با توجه به تصویب قانون که باید در آن دستمزدهای زنان و مردان برابر باشد، در حقوق کارمندان زن، هیچ تغییر و بهبودی حاصل نشده است، گفتنی است که در دهه پیش از تدوین این قانون، حقوق زنان به طور متوسط ۹ درصد افزایش یافت، به طوری که در سال ۱۹۸۷، ۶۶ درصد دستمزد به مردان تعلق داشت که در سال ۱۹۹۶ به ۷۵ درصد رسید.^{۱۶}

در این زمینه، «فکاشکید» مسئول گزینش زنان در کارهای دولتی و «نیناسوفیر» مدیر این بخش در دفتر نخست‌وزیری، مطالب زیر را نوشتند: «پایه دستمزدها در مشاغل دولتی، مایه نرسماری و موجب ایجاد فاصله میان دستمزدهای کارمندان است. این پایه حقوقی، مناسب نبوده و با زنان رفتار معکوس نمی‌شود. همچنین تبعیضهای دیگر در زمینه تسهیلاتی، مانند استفاده از اتومبیل دولتی و حقوق اضافه کاری نیز به این نابرابری افزوده می‌شود که بخش مهمی از دستمزدها را تشکیل می‌دهد و از فاصله دستمزدها ناشی می‌شود. به طور کلی، زنان نسبت به مردان، ۵۰ درصد کمتر درازای ساعات مشابه اضافه کاری دریافت می‌کنند. اما در مشاغل رده بالا، زنان برخوردار از مزایای کار اضافی، متناسب با مردان برابر هستند، به طوری که نسبت آنها به ۹۵ درصد می‌رسد و در رده‌های شغلی مانند: قضاوت،

پزشکی، پرستاری، مددکاری اجتماعی، دستمزد زنان از دستمزد مردان نسبت ۸۱ الی ۸۳ درصد کمتر است. اما زنانی که در علوم شیمی و بیولوژی فعالیت می‌کنند، دستمزدی به نسبت ۷۶ درصد کمتر از مردان می‌گیرند، در حالی که دستمزد پرستاران به نسبت ۹۱ درصد از دستمزد مردان کمتر است.^{۱۷}

در مرکز تحقیقات، خانم دکتر اریس بینت، اخیراً از طریق داده‌هایی، بر تفاوت دستمزد مردان و زنان تأکید کرد: ۷۰ درصد افرادی که کمترین دستمزد را می‌گیرند - و تقریباً ۲۶۲۲ شکل می‌باشد - زنان هستند. حد متوسط دستمزد زنان ۳۷۲۹ شکل در مقاله ۶۹۲۹ شکل (تقریباً) درآمد مردان است. یعنی به نسبت ۵۴ درصد کمتر است.^{۱۸} دکتر شلومو سبیرسکی یکی از تهیه‌کنندگان گزارش مرکز «ادفیه» برای تحقیقات «نابرابری» در اسرائیل می‌گوید «هر قدر که در پلکان پستها بالاتر می‌رویم، تفاوت میان دو جنس بیشتر می‌شود و هر قدر که در حد متوسط، دستمزد مردان بیشتر می‌شود باز هم تفاوت میان دو جنس بیشتر می‌گردد.» داده‌های مرکز آمار مرکزی و خدمات بیمه ملی، نشان می‌دهد که متوسط حداقل دستمزد ماهانه برای زنان ۱۲۷۴ شکل کمتر از نصف متوسط کمترین دستمزد مردان است که ۲۷۰۸ شکل است و در مقابل، متوسط بالاترین دستمزد زنان ۶۶۷۲ شکل است که از متوسط بالاترین دستمزد مردان که به ۸۹۰۴ شکل می‌رسد کمتر است همچنین، مشخص شد که با افزایش ۱۰ درصد از دستمزد مردان، دستمزد زنان تنها ۷٫۱ درصد افزایش می‌یابد. همچنین خانم دکتر مایشنایر کارشناس علوم اجتماعی دانشگاه تل‌آویو، این دستاوردها را تأیید می‌کند و می‌گوید «دستمزد مفید زنان سقف، معین دارد، زیرا که درآمد بالایی به زنان تعلق نمی‌گیرد، حتی اگر از تحصیلات و فرهنگ و موقعیت اجتماعی بالایی برخوردار باشند.»^{۱۹}

بنابر این، کاهش پی در پی دستمزد زنان از طرف کارفرمایان نیز از نشانه‌های تبعیض است. شاید این تبعیض با اینکه تعداد زنان شاغل نیز افزایش یافته است، ناشی از این حقیقت باشد که هنوز مرد را به عنوان سرپرست خانواده در نظر می‌گیرند.

تا اواسط دهه هشتاد که اسرائیل برپایه قانون کشور انگلیس، عمل می کرد، شصت سالگی، سن بازنشستگی بود. پس از جنگ ۱۹۶۷، تغییراتی در بازار کار به وجود آمد. به طوری که زنان مشغول به کارهایی شدند که تا آن زمان، تنها مختص مردان بود. اغلب زنان از نظر حرفه ای در سنین بالاتر از مردان مهارت کسب می کنند. پس از بزرگ شدن فرزندانشان و قبل از آنکه مهارت کامل به دست آورند، کارفرمایان با توجه به مشاغل پایین و کم درآمد بانوان و سابقه کاری کمتر، بیشترین استفاده را از نیروی کارگر می کردند، که حقوق بازنشستگی کمتری دریافت کنند، در سال ۱۹۸۷، مجلس اسرائیل (کنیست) قانونی ارایه کرد که سن واحدی برای بازنشستگی زنان و مردان در نظر گرفته، زنان را مجبور نمی سازد که قبل از سن معین بازنشستگی، خود را بازنشسته کنند. به عبارتی، این قانون به زنان اختیار بازنشستگی در شصت سالگی و استفاده از تمام حقوق و مزایای بازنشستگی را داد. افزایش سن بازنشستگی به شصت و پنج سالگی، گویا به سود زنان و نشانگر افزایش برابری مردان و زنان در زمینه اشتغال بود، ولی در واقع از بین بردن حق انتخاب زنان و اجبار به بازنشستگی در شصت سالگی، تنها یک معنا دارد و آن، افزایش تعداد زنان سالمندی است که به سختی در اسرائیل زندگی می کنند. خانم دکتر لینده عفونی، کارشناس اقتصاد و حقوق در مورد افزایش سن بازنشستگی می گوید: «آنچه وزارت دارایی انجام می دهد، محروم ساختن زنان از بازنشستگی تا شصت و پنج سالگی است و آنچه در آیین نامه های اداری آنان وجود دارد، اهمیتی ندارد.»

در حال حاضر، چنانچه زن در سن شصت سالگی بازنشسته شود، شرایط استفاده از حقوق بازنشستگی دارد. و چنانچه با پیشنهاد وزارت دارایی موافقت نشود، در آن صورت درخواست زن شاغل به اداره کار ارایه می شود و حقوق بیکاری به او تعلق می گیرد، یا اینکه مستمری او به مدت شش ماه تضمین می شود و در چهار سال و نیم باقیمانده، بدون مستمری خواهد بود. چنانچه زن، متأهل و همسر او شاغل و یا دارای حقوق بازنشستگی

باشد، حقوق بیکاری یا مستمری به او تعلق نمی‌گیرد.^{۲۰} پرفسور دفنایزریلی، کارشناس امور اجتماعی می‌گوید: «مشکل اصلی دو جنس (زن و مرد) در مورد بازنشستگی، فقط سن نیست، بلکه مشکل، نحوه و شرایط بازنشستگی است.» وی می‌افزاید: «گفته می‌شود چنانچه زنان تا شصت و پنج سالگی کار کنند، می‌توانند از سابقه کار و امتیازات بیشتری برخوردار بشوند، اما مشکل اساسی در میزان دستمزدی است که زنان در مقایسه با مردان دریافت می‌کنند. وزارت امور داری، بخشی از مشکل را حل می‌کند، اما به قضاوت زیادی که در اضافه حقوق زنان و مردان وجود دارد. توجه نمی‌کند. و حاضر به بحث و بررسی در این زمینه نیست. خانم «ماور»، عضو مجلس اسراییل می‌گوید: «وزارت داری به برنامه سطحی و گذر اکتفا می‌کند، در حالی که چنین شیوه‌ای، ضربه بزرگی به زنان وارد می‌کند. امروزه، وضعیت زنان به گونه‌ای است که باید در ۵۰-۴۵ سالگی بازنشسته شوند، در صورتی که دولت در صدد است پنج سال دیگر نیز به سن بازنشستگی آنان اضافه کند. این مسئله در مورد زنان بیکاری که ۱۰ درصد از مجموع زنان را تشکیل می‌دهند، نیز صدق می‌کند. به طور قطع، این موضوع، نشان دهنده پیشرفت نیست، چرا که در حال حاضر، چنین انتخابی توسط خانواده محدود می‌شود و ۸۰-۷۰ درصد زنان از آن زیان خواهند دید.

خانم دکتر عفرونی، آمار زنانی را که از افزایش بازنشستگی زیان دیده و یا بهره برده‌اند مشخص کرده است: ۱۰۱ درصد از زنانی که مشاغل رده بالا را به عهده می‌گیرند از امتیاز انتخاب قانونی بهره می‌برند و تا شصت پنج سالگی به کار ادامه می‌دهند، اما زنان کارگری که به مشاغل سنگین و یا خدماتی مشغولند و نیز زنان کارمند و منشی که پیشرفت کاری چندانی ندارند و یا آن دسته از بانوان که در چهل سالگی به آخرین حد از ارتقای شغلی رسیده‌اند به این دلیل که نه از نظر شغلی پیشرفت لازم را دارند و نه به آنچه حق مسلمشان است می‌رسند. با زیان سنگینی مواجه خواهند شد. و حتی به ناچار پنج سال دیگر را هم اجباراً در جامعه‌ای که پایه آن بر پایه تبعیض استوار است، کار می‌کنند.^{۲۱}

زن، سیاست و زندگی روزمره

با اینکه در اسرائیل، زنان ۵۲ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و نیز نسبت زنان تحصیلکرده و با کفایت و زنانی که به طور جدی در زمینه علمی و در مشاغل اجتماعی اشتغال دارند، به رقم بالایی رسیده است، اما هنوز سیاست، موضوعی مختص مردان است و تعداد کمی از زنان در این بخش فعال هستند. خانم رایسی، مطالب زیر را در این زمینه ارایه می‌دهد:

- از زمان ایجاد رژیم اسرائیل تاکنون، تنها شش زن، مقامهای بالای دولتی را احراز کرده‌اند.

مدر مجلس اخیر (۱۹۹۹)، زنان ۷٫۵ درصد از مجموع نمایندگان را به خود اختصاص دادند. به عبارتی، در حال حاضر، تنها ۹ عضو از ۱۲۰ عضو موجود را تشکیل می‌دهند.

- در انتخابات ماه مه ۱۹۹۹، ۱۳ زن، عناوین و پستهای کلیدی را در احزابی که با یکدیگر رقابت می‌کند به دست آوردند.

- در شوراهای شهری، ۲۰ زن حضور دارند که این رقم ۱۰-۸ درصد از مجموع اعضا را تشکیل می‌دهد که نسبت به سال ۱۹۹۳ به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است در حالی که در سال ۱۹۸۸، تعداد زنان در این مجالس به ۹۲ نفر رسیده بود (جرزالم پست، ۳۰ دسامبر ۱۹۸۸).

- در طول پنجاه سال و طی پانزده دوره مجلس، زنان سه پست در وزارتخانه‌ها به دست آوردند که به صورت زیر تقسیم بندی می‌شود:

۱. در دوره‌های سوم و چهارم و پنجم مجلس، «خانم گلدامایر»، تنها زن وزیر در هیأت دولت بود که وزارت امور خارجه را به عهده داشت.

۲. در دوره‌های ششم و هفتم مجلس، «خانم گلدامایر»، مقام نخست وزیری اسرائیل را بدون کمک زنان دیگر، به عهده گرفت.

۳. در دوره نهم مجلس به هنگام راهیابی حزب لیکود به هیأت دولت، زنان به طور کلی به دستگاه دولتی راه نیافتند.

۴. در دهمین دوره از مجلس، خانم (ساره دورون) از حزب لیکود به عنوان وزیر مشاور به دولت پیوست و همچنین خانم مریام تعسا به سمت قائم مقام وزیر آموزش و پرورش برگزیده شد.

۵. در دوره یازدهم، خانم شوشانا اربیلی از حزب کار، به سمت قائم مقام وزیر بهداشت انتخاب شد و در آن زمان، او تنها زنی بود که در دولت، مقامی عالیرتبه احراز کرد.

۶. در دوازدهمین دوره، خانم غیولاکوهین به عنوان قائم مقام وزیر علوم و فن آوری، تنها زنی بود که به پست بالا دست یافت.

۷. در دوره سیزدهم، سه زن در دولت مشغول به کار بودند. خانم اورانعی، وزیر محیط زیست که پس از این مسئولیت به مقام وزارت کار و رفاه رسید؛ خانم شولامیت الونی که ابتدا وزیر آموزش و معارف و سپس وزیر ارتباطات علوم و فن آوری شد و همچنین، خانم ماشالوفسکی، قائم مقام وزیر صنایع و بازرگانی بود.

۸. در چهاردهمین دوره مجلس، تنها یک زن، یعنی خانم لیمور لفنات به عنوان وزیر ارتباطات برگزیده شد.

۹. در مجلس پانزدهم، خانم دالیا اتیسک به عنوان وزیر محیط زیست انتخاب شد.^{۲۳} البته تحلیل مسئله چندان دشوار نیست، چرا که وکلا به دلیل نگرش سیاسی دگم و مبتنی بر قدرت، به زنان به چشم برده نگاه می کنند و جایگاه مناسبی در زندگی روزمره برایشان قابل نیستند. خانم الیس شیلفی، رییس اتحادیه زنان از زبان افراهام رافیتس عضو مجلس نقل می کند که: «مجلس (کنیست) جایی برای زنان وجود ندارد و به نظرشان نیز اهمیتی داده نمی شود و مردان وظایف آنها را به عهده می گیرند...»^{۲۴}

بهره‌وری کار

عوامل مختلفی در بهره‌وری کار زنان تأثیر می گذارد. این عوامل، مد نظر کار فرمایان است و مانع اشتغال زنان در مشاغل صنعتی - که از رشته‌های مختلف و متعددی تشکیل شده است - می شود. از جمله محدودیتهای فیزیکی (بدنی) زن، غیبتهای پس از زایمان و نیز افزایش

تعداد فرزندان است، اما پس از تحقیق و بررسی مشخص شد که زنانی هم هستند که بهره‌وری کاریشان از مردان بیشتر است، با وجود این، حقوق، پاداش و اضافه حقوق و ساعتهای اضافه کاری برای مردان به نسبت زنان بیشتر است. بدیهی است که این اطلاعات نشان می‌دهد که کارفرمایان چگونه بدرفتاریشان را نسبت به زنان با بهره‌وری کاری اندک از کار آنان توجیه می‌کنند و همچنین، مسئله تبعیض در دستمزدها و خدمات عمومی را نیز آشکار می‌سازد.^{۲۵}

زنان در زمینه‌های آموزشی

در زمینه‌های آموزشی، زنان از تسلطی با قدرت بالا برخوردارند، به طوری که در سایر زمینه‌ها دارای چنین تسلطی نیستند. در تحقیق صورت گرفته توسط خانم دکتر اودری ایدی مشخص گردید که تعداد زنان در مدارس ابتدایی یهودی بسیار بالا بوده به طوری که ۹۸ درصد از مجموع معلمان را زنان تشکیل می‌دهند و نزدیک به ۹۸ درصد از مشاوران و مشاوران حرفه‌ای و ۵۰ درصد از مدیران و نسبت کمی از معاونان مدیران را نیز زنان تشکیل می‌دهند. در مدارس راهنمایی و دبیرستان، این نسبتها کمتر می‌شود به طوری که ۸۰ درصد معلمان، ۶۸ درصد از مشاوران و مشاوران حرفه‌ای، و ۵۴ درصد از مشاغل اداری را زنان تشکیل می‌دهند. ۸۱ درصد از زنان معلم در مدارس ابتدایی به مشاغل معینی چون مشاوره می‌پردازند، سپس به سمت مدیریت نایل می‌شوند در حالی که در مورد مردان این رقم به ۲۱ درصد می‌رسد. خانم ریکچ چنین می‌گوید: «نباید فراموش کرد که تمایل زنان به مشاغل سطح پایین به این معنا نیست که ایشان نمی‌خواهند شغل، پلی برای پیشرفت و ارتقای موقعیت آنان باشد، بلکه این امر، نشان دهنده میزان علاقه زنان به پیشرفت و ارتقای شغلی است.»^{۲۶}

گزارش وزارت امور خارجه در مورد وضعیت زنان در اسرائیل

این گزارش، شامل ۲۰۰ صفحه است که توسط خانمها دکتر کرمل شلیف و دکتر روت هلفرین با استفاده از منابع گوناگونی تهیه شده که نام منابع در گزارش نیز آمده است. اهم موارد در این گزارش به شرح زیر است:

– شکافهای بزرگ سیاسی به نفع مردان است، چرا که در رقابتهای انتخاباتی، ۱۷ درصد از فرصتها متعلق به زنان است، ولی تنها ۱٫۳ درصد از بروشورهای انتخاباتی به معرفی زنان فعال در احزاب مختلف پرداخته است. در کمیسیونهای مالی، خارجی و امنیت که از مهمترین کمیسیونهای مجلس (کنیست) هستند زنان حضور ندارند، نسبت زنان در شورای شهرها، تنها به ۱۰ درصد می‌رسد و از زمان تأسیس اسرائیل تا کنون فقط شش زن به عنوان شهردار انتخاب شده‌اند.

– با اینکه نسبت زنان در بخش عمومی، ۶۰ درصد از کل است، اما این نسبت در پلکان پستها، باز هم در حال پس روی و عقب نشینی است. به طوری که تنها ۱۰ درصد از زنان در سه پست مهم بخش عمومی حضور دارند، قانون شرکت های دولتی در سال ۱۹۹۳ در مورد اشتغال در مجلس به این صورت اصلاح شد که کمیسیونهای اداری، اعضای خود را از هر دو جنس برگزینند، با وجود این، چنین مجلسهایی، تنها ۱۶ درصد از کل اعضای اداری را زنان تشکیل می‌دهند. در ارتش نیز به وضوح، شاهد و تبعیض در مدت زمان ارتقای درجه برای مردان هستیم؛ به طوری که یک سرهنگ دوم برای رسیدن به درجه سرهنگی به ۸۰ ماه زمان نیاز دارد. در حالی که یک زن اگر بخواهد به چنین درجه‌ای برسد به ۱۳۵ ماه زمان و طی کردن مراحل (وظایف) مختلف دارد. اما در رده‌های پایینتر ارتش، مسئله، متفاوت است، به این صورت که زن با درجه ستوان اول برای ارتقای درجه به ۲۴ ماه نیاز دارد. در حالی که این زمان برای مرد ستوان اول ۳۴ ماه است.

– گزارش، نشان می‌دهد که در بخش خصوصی، زنان کارگر در اسرائیل بیشتر خانه دارند و سطح دستمزدها با توجه به شغلی که دارند محاسبه می‌گردد. به طوری که هر چه تعداد زنان کارگر در شغلی کمتر باشد، میزان حقوقشان در آن شغل بالاتر می‌رود، در زمینه ارتباطات و رسانه‌های گروهی از هر دو نفر خبرنگار، یک نفر زن است؛ ۲۵ درصد از روزنامه نگاران محلی نیز زنان هستند، اما در رأس ارتباطات و رسانه‌های گروهی قرار نمی‌گیرند. تسلط مردان در زمینه مهندسی و ساخت و ساز نیز بیشتر از زنان است، چنان که ۱۲ درصد از مردان و یک درصد از زنان در این زمینه فعالیت می‌کنند.

- نسبت زنان قاضی در دادگاهها به ۴۰ درصد می‌رسد، اما در سطوح پایینتر دستگاه قضایی پیشرفت بیشتری داشته است، برای مثال، ۶۰ درصد از مسئولیت دادگاه‌های استانی به زنان واگذار می‌شود. و «پستهای بالا بیشتر به مردان اختصاص دارد به طوری که از هر ۱۴ قاضی حاضر در دادگاههای عالی، ۱۱ نفر مرد است، یعنی ۷۸٫۶ درصد از قضات را مردان تشکیل می‌دهند.

- به طور آشکار دیده می‌شود که در زمینه رعایت بهداشت، زنان برتر از مردان هستند، چرا که میانگین طول عمرشان سه سال بیشتر از مردان است؛ البته میزان خودکشیها، قربانیان جنگها و حوادث نیز در این امر بی‌تأثیر نیست، از نظر درمانی نیز شاهدیم که زنان ۵ تا ۶۴ سال عموماً بیشتر از مردان در بیمارستانها بستری می‌شوند.^{۲۷}

مسئله خشونت نسبت به زنان

«به طور کلی، خشونت در مورد زنان، ناشی از جایگاه پایین آنان در خانواده و جامعه است. خشونتهای بدنی، روانی و جنسی - چه در خانواده و چه در اجتماع - با قدرت و حقوق برتر و تسلطی ارتباط دارد که به مردان نسبت می‌دهند.» به نقل از برنامه سازمان ملل،^{۲۸} خانم یاعل دایان، یکی از اعضای مجلس در این مورد می‌گوید: «افراد متدین و مذهبی معتقدند در جوامع آنان، خشونتی نسبت به زنان وجود ندارد! این گفته، بیشتر به یک شوخی شبیه است، چرا که واقعیات، آن را تأیید نمی‌کند. ایشان با تشکیل سازمانی، در مورد زنانی که توسط شوهران خود به قتل رسیده‌اند، تحقیقی انجام داده و نتایج به دست آمده را در ماه ژوئن ۱۹۹۶ میلادی به طبع رسانده است.» برپایه این تحقیقات، وزیر کار و رفاه درخواست تأسیس مراکزی جهت حمایت از زنانی که مورد ضرب و شتم همسرانشان قرار می‌گیرند، کرد و به همین منظور نیز ۸۰ درصد از کل هزینه لازم را پرداخت کرد. همچنین دایان افزود: با توجه به مسئله اعمال خشونت علیه زنان و اخراجشان به دلیل بارداری و دیگر تبعیضات، بدیهی است که وزیر رفاه و آموزش، اهمیتی برای رفع این معضل اجتماعی قایل باشد. این امر نیز ناشی از طرز تفکر دولت نسبت به این مسئله است و تنها توجه به این مسئله - که زن ملک و ثروت

نیست و هیچ زنی از کسی دعوت به ضرب و شتم و تجاوز نمی‌کند. از طرف وزیر رفاه و آموزش، مشکل ایجاد نخواهد کرد. دایان، از اجرای یکی از برنامه‌های تحقیقی در رابطه با موضوع برابری زن و مرد که احتمال می‌رفت در سال ۱۹۹۶ در مداری صورت پذیرد، ابراز نگرانی می‌کرد. اما خانم «الیس شیلفی»، رییس اتحادیه زنان، نقاط ضعف زنان در جامعه و تأثیر آزادی فعالیت اقتصادی برای ایشان را نشان داده و می‌گوید: «اقتصاد بیش از هر چیز به قشر کم درآمد جامعه آسیب می‌رساند، چرا که موجب تداخل در خدمات اجتماعی می‌شود». خانم شیلفی متذکر می‌شود که اغلب زنان اسرائیلی که زیر خط فقر هستند از بحرانهای اقتصادی یا خصوصی سازی شرکتها آسیب می‌بینند. این، به معنای تقسیم کاری است که در آن قبل از هر چیز وظایف جزئی تر تعدیل و اصلاح می‌شود که اغلب این وظایف به عهده مردان است.^{۲۹}

نتیجه نظر خواهی که اداره پژوهش در کتابخانه بین المللی بازرگانان انجام داده به شرح زیر است:

۴۸ درصد از زنان شاغل در اسرائیل ابراز کرده اند که در محل کار خود مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند.

۴۶ درصد از زنان چنین مسئله‌ای را نفی کرده اند، در حالی که ۱۸ درصد از پاسخگویی به این سؤال امتناع ورزیده اند و ۸ درصد دیگر برای فرار، به پاسخ «نمی‌دانم» اکتفا کرده اند. (روزنامه یعوت احرنوت / ۶ مارس / ۱۹۹۷، ص ۱۷)

بر پایه گزارش وزارت امور خارجه، نزدیک به ۱۲ درصد از این حوادث، مربوط به زنانی است که توسط شوهرانشان به قتل می‌رسند. و تنها در ۱۷ درصد از موارد، زنان شکایت خود را از قبل ارایه کرده اند. گفتنی است که مجازات برای مردان قاتل دو سال بیشتر از زنان قاتل است.^{۳۰}

حقوق زنان و سازمانهای مرتبط با آنان

در اسرائیل در رابطه با مسایل زنان، سازمانهایی وجود دارد، اما این سازمانها در دفاع از حقوق زنان و بهبود موفق نبوده اند. همچنین مرکز ارتباط زنان و سازمان دولتی (نعمات) در اسرائیل، خواستار تأسیس انجمن رسمی برای ارتقای جایگاه زنان شده اند.

خانم عوفا فریدمان، رییس سابق سازمان نعمات، خواستار تغییر سازمان حمایت از جایگاه زن در مجلس به کمیته تشریحی دائمی شد که بتواند به طور مستمر فعالیت کند.^{۲۱} اما بدیهی است که سازمان نعمات، تنها به کارهای ارتباطی و روابط اجتماعی اکتفا کرده و این در حالی است که این سازمان در شرف انحلال قرار دارد، چون پی در پی و به طور مستمر موجب تداخل در ساختار تنظیمی مجلس می شود، بنابراین، اولین سازمانی خواهد بود که به زودی منحل می شود و از جمله دلایل عدم پیشرفت سازمان از ابتدای تأسیس، این است که تنها برای زنانی که از حوزه قدرت سیاسی و ارتشی رانده و جدا شده اند، نقش یک قرص آرامبخش را ایفا کرده است که نتیجه این تعدیل مداوم در ارتش کمتر به نفع زنان خواهد بود.

دکتر سبیرسکی یکی از تهیه کنندگان گزارش مرکز ادفیه - دلیل ضعف سازمانهای دولتی را در دفاع از حقوق زنان توضیح داده، می گوید: «سازمانهای کارگران به مبارزه جدی در این زمینه نمی پردازند به این دلیل که زنان، حزب سیاسی واحدی را تشکیل نمی دهند. در ضمن وجود خطوط، احزاب طبقاتی و ملی و فرقه گرایی، موجب تفرقه میان زنان شده است. در نتیجه، زنانی که از درآمد نسبتاً بالایی برخوردارند به همکاری با زنان کارگر و مستخدمین منازل خود رضایت نمی دهند.^{۲۲}»

نتیجه گیری

در پایان، گفتنی است که بی تردید، زنان اسرائیل به پایمال شدن حقوقشان واقفند و نیز با وجود تبعیضهایی که در بازار کار، ارتش، ورزش و دیگر مسایل زندگیشان تأثیر منفی می گذارد، خواستار برابری میان زن و مرد هستند. این تبعیض در تمام سطوح رخ می دهد. تبعیض علیه زنان موجب می شود که آنان در حاشیه بودن را در جامعه ای که مدعی دموکراسی و برابری زن و مرد است، نپذیرند. □

جدول شماره (۱)

نوع فعالیت	کشاورزی	صنعت	ساختمان سازی	وسایل نقلیه برق، آب	خدمات تجاری و سرمایه داری و تجارت و خدمات تغذیه	خدمات شخصی	خدمات عمومی	مجموع
زنان	۲,۳	۱۳,۹	۰,۸	۳,۸	۱۱,۶	۹,۲	۴۵,۲	%۱۰۰
مردان	۵,۴	۲۶,۹	۸,۱	۹,۷	۸,۶	۶,۲	۱۹,۳	%۱۰۰
تفاوت درصد	%۴۲,۶	%۵۱,۶	%۹,۹	%۳۹,۲	%۱۳۰,۳	%۸۵,۱	%۲۳۴,۲	-

جدول شماره (۲) توزیع دستمزدها در سال ۱۹۹۶

توزیع دستمزدها	زنان (درصد)	مردان (درصد)	تفاوت به درصد
سقف ۲۵۰۰ شکل	۳۰,۵	۱۵	۲۰۳,۲
سقف ۲۸۰۰ شکل	۵۵	۳۵	۱۵۷,۱
سقف ۲۰۰۰۰ شکل	۱۴,۵	۴۸	۲۹,۶
بیش از ۲۰۰۰۰۰ شکل	۰,۳	۲	۱۵

جدول شماره (۳) دستمزدهای دولتی (سال ۱۹۹۶)

دستمزدها	زنان (درصد)	مردان (درصد)	تفاوت به درصد
ادارات (کارمندان)	۴۶۲۰	۵۷۰۰	%۸۱
مشاغل علمی (جامعه شناسی و روانشناسی)	۶۲۰۰	۹۸۰۰	%۶۳,۳
پرستاری	۷۴۰۰	۸۲۰۰	%۹۰,۲

پاورقیها:

- ۱ و ۲. یعقوب هکت، «اشتغال زنان در اسرائیل»، عقودا اورفحد جزایر مارس / ۱۹۸۱.
۳. سرائیل تومار، «مسامحه زنان در تولید ۲۲۵٪»، یدبعوت احرنوت ۱۹۹۳، ۱، ۲۵، ص ۴۵.
۴. روتی سینی، «همان زن یا تغییر (تقلیل) حقوق»، هآرتص ۱۹۹۸، ۱۱، ۸، ص ۳ ب.
۵. اور کشتی، «زنان بیشتر سود ببرند»، هآرتص ۱۹۹۸، ۶، ۱۷، ص ۲ ب.
۶. یعقوب هکت: اشتغال زنان در اسرائیل.
۷. وردلیفی، «ستم بدو جنس (مرد و زن)»، علمشمار ۱۹۸۹، ۹، ۱۴، م.
۸. رالی ساعر، جایگاه زن و تبعیضی که از آن رنج می ببرند، هآرتص ۱۹۹۵، ۹، ۷، ص ۵.
۹. نوریت فلتر، به مناسبت روز جهانی زن، یدبعوت احرنوت، ۱۹۹۹، ۳، ۹، ص ۱۴.
۱۰. ماشالوبلسکی، «قانون وزن»، دافار ۱۹۹۸، ۱، ۲۶، ص ۷.
- ۱۱ و ۱۲. رالی ساعر پیشین.
۱۳. یدبعوت احرنوت، ۱۹۹۶، ۱۲، ۲۶، ص ۹.
۱۴. معاریف ۱۹۹۸، ۹، ۱۰، ص ۷.
۱۵. ریئت کلاین، «دستمزدهای زنان، دردآدگاه دیدار می کنیم»، معاریف ۱۹۹۸، ۶، ۲، ص ۴.
- ۱۶ و ۱۷. روتی سینی، پیشین.
۱۸. نوریت فلتر: به مناسبت روز جهانی زن.
۱۹. اور کشتی، پیشین.
- ۲۰ و ۲۱. عمیرا سیجف، «پنج سال پر رنج برای زنان کارگر»، هآرتص ۱۹۹۹، ۸، ۲۳، ص ۳.
۲۲. نوریت فلتر، به مناسبت روز جهانی زن.
۲۳. غابی بارون، «شش زن فقط در ۵۱ سال»، یدبعوت احرنوت ۱۹۹۷، ۶، ۷، ص ۳.
۲۴. روتی سینی، «نظری به وضع کنونی زنان»، هآرتص ۱۹۹۶، ۶، ۱۷، ص ۳ ب.
۲۵. همان.
۲۶. تمار روتام، «زنان در آموزش»، هآرتص ۱۹۹۸، ۸، ۱۹، ص ۴.
۲۷. رفیف دروکر، «سند ویژه: گزارش وزارت امور خارجه»، معاریف ۱۹۹۸، ۳، ۸، ص ۱۵.
۲۸. رالی ساعر، پیشین.
۲۹. روتی سینی، پیشین.
۳۰. رفیف دروکر، پیشین.
۳۱. رالی ساعر، پیشین.
۳۲. استر هرتسوغ، «رهبری صحنه از پشت پرده»، معاریف ۱۹۹۸، ۶، ۱۴، ص ۸.
۳۳. اور کشتی، پیشین.